

Spring and Summer 2024, 1 (1), 72-91.

Reviewing the intellectual system of Takfir in DAESH group based on Michael Fisher's theory

Talat DehPahlavan^{✉ 1}  | Maryam Sohrabi²  | Mohammad Sadegh Heydarian³ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of RAZI, KERMANSHAH, IRAN. E-mail: pahlavant65@gmail.com
2. Master of History, Faculty of Literature and Humanities, University of RAZI, KERMANSHAH, IRAN. E-mail: 64sohrabi@gmail.com
3. Master of History, Faculty of Literature and Humanities, University of RAZI, KERMANSHAH, IRAN. E-mail: m.shaidarian1988@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research

Article history:

Received: 14 December 2023

Accepted: 12 March 2024

Published online: 10

September 2024

Keywords:

Takfiri thought, contemporary extremism, Islamic societies, Michael Fisher, Daesh.

ABSTRACT

In the structure of the social history of Islamic societies so far, Daesh is known as the most widespread takfiri group in the contemporary scientific and media environment. This group has distinctive features from other fundamentalist movements. The current study tries to look at this takfiri trend with a new approach and analyze the historical experience of Daesh with the perspective of Michael Fisher's revolution. American Michael Fisher, who has analyzed the Iranian revolution with a sociological point of view, has a historical and process-oriented view of social trends. In this article, an attempt has been made to use Fisher's factors and variables to analyze the historical experience of Daesh. The results indicate that the movement of Daesh, like the Iranian revolution, was a process that has a long and extensive background, and several historical and social factors inside and outside of this trend have been effective in its formation and continuation. Also, the Iranian revolution and Daesh are compared from various aspects of belief, attitude and behavior.

Cite this article: DehPahlavan, Talat. Sohrabi, Maryam. Heydarian, Mohammad Sadegh. Initial. (2024). Reviewing the intellectual system of Takfir in DAESH group based on Michael Fisher's theory, *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (1), 72-91.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2024.715430>

باز بینی نظام فکری تکفیر در گروهک داعش بر اساس نظریه مایکل فیشر

طلعت ده پهلوان^۱ | مریم سهرابی^۲ | محمدصادق حیدریان^۳

۱. استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: pahlavant65@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: 64sohrabi@gmail.com
۳. کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: m.shaidarian1988@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: ترویجی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳</p> <p>پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: اندیشه تکفیری، افراط‌گرایی معاصر، جوامع اسلامی، مایکل فیشر، داعش.</p>	<p>در ساختار تاریخ اجتماعی جوامع اسلامی تاکنون، داعش به عنوان گسترده‌ترین گروهک تکفیری در فضای علمی و رسانه‌ای معاصر شناخته شده است. این گروهک ویژگی‌های متمایزی از سایر جنبش‌های بنیادگرا دارد. پژوهش حاضر سعی دارد به این جریان تکفیری با رویکردی جدید نگاهی بیندازد و تجربه تاریخی داعش را با دیدگاه انقلاب مایکل فیشر تحلیل کند. مایکل فیشر آمریکایی که با نگاه جامعه‌شناسانه در مقاطع مختلف انقلاب ایران را تحلیل کرده است، نگاهی تاریخی و فرآیند محور در جریان‌های اجتماعی دارد. در این مقاله تلاش بر این بوده است که عوامل و متغیرهای مورد نظر فیشر برای تحلیل تجربه تاریخی داعش به کار گرفته شود. نتایج حاکی از آن است که حرکت داعش همچون انقلاب ایران فرآیندی بوده است که پیشینه‌ای گسترده و طولانی دارد و عوامل تاریخی و اجتماعی متعددی در داخل و خارج این جریان، در شکل‌گیری و تداوم آن اثرگذار بوده‌اند. همچنین از جنبه‌های گوناگون اعتقادی، نگرشی و رفتاری به مقایسه انقلاب ایران و داعش پرداخته می‌شود.</p>

استناد: ده پهلوان، طلعت، سهرابی، مریم، حیدریان، محمدصادق (۱۴۰۳). باز بینی نظام فکری تکفیر در گروهک داعش بر اساس نظریه مایکل فیشر. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۱)، ۷۲-۹۱.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

افراط‌گرایی معاصر در اندیشه اسلامی با سابقه‌ای نزدیک به صد سال و ماهیتی اعتراضی، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. اولین مرحله شکل‌گیری این افراط‌گرایی به اواسط دهه ۱۹۳۰ باز می‌گردد. زمانی که نخستین گروه‌گ افراط‌گرای معاصر یعنی اخوان المسلمین تأسیس شد. این گروه البته رویکردی میانه‌رو داشت. فداییان اسلام نیز نمونه ایرانی این گروه‌ها در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه میلادی هستند. مرحله دوم در روند شکل‌گیری این گروه‌ها، سازماندهی گروهی با بهره‌گیری از تشکیلات مسلحانه است که به دهه ۱۹۶۰ م مربوط می‌شود. افراط‌گرایی معاصر در میان اندیشه دینی مسلمانان در سومین مرحله شکل‌گیری از دهه ۱۹۹۰ م پایه‌گذاری شد و القاعده افغانستان مهم‌ترین گروه افراطی در این مقطع می‌باشد (حاتمی و بحرانی، ۱۳۹۲: ۳-۴).

ویژگی بارز این گروه‌ها وجود الگویی فراقومی و فرامحلی میان آن‌ها است. به عبارت دیگر، هدف مبارزه آن‌ها لزوماً نظام دولتی محلی نیست. همچنین ساختار چندملیتی و چندفرهنگی آن‌ها نشان از گستره وسیع مناسبات آن‌ها دارد. تداوم وجود یک دشمن برای آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همواره درصدد تعریف دشمن جدیدی برای خود هستند. امروزه جریان‌های انحرافی و افراطی در جوامع اسلامی، در جهان و مخصوصاً خاورمیانه فعال هستند. بعد از کشته شدن اسامه بن‌لادن، این گروه انشعابات زیادی پیدا کرد؛ بخشی از آنان در پاکستان قدم علم کردند و بخشی در سوریه، عراق و حتی آفریقا. در این میان سوریه و گروه‌های افراطی فعال، توجهات زیادی را از سرتاسر جهان به خود جلب کردند.

یکی از این شاخه‌ها گروهک داعش یا دولت اسلامی عراق و شام است. این گروهک اگرچه در ابتدا با گروه جبهه‌النصره

متحد بودند، ولی پس از چندی با بروز اختلافات به دشمن یکدیگر تبدیل شدند و بخشی از درگیری‌های سوریه به جنگ داخلی این دو گروه منتهی شد. داعش بخش‌های وسیعی از شمال سوریه و غرب عراق را به تصرف خود درآورده و پس از اشغال موصل، اعلام خلافت کرد. به عقیده برخی صاحب‌نظران، داعش با اعلام خلافت قصد دارد از عقده‌های فروخته کشورهای عربی به خاطر داشتن دولت‌های ناکارآمد و وابسته در مقابل اندیشه مدرن‌گرای غربی، بکاهد (ماهنامه مهرنامه، ش ۳۷، ویژه‌نامه سودای خلافت، ۱۳۹۳: ۳۰۴-۱۲).

پژوهش حاضر در پی آن است تا از منظری جامعه‌شناسانه به چگونگی پیدایش و تداوم داعش و چستی عوامل مؤثر بر آن بپردازد. به عبارت دیگر، این مقاله به دنبال یافتن عوامل اجتماعی و یا سیاسی مؤثر در شکل‌گیری گروه افراطی داعش و همچنین یافتن پاسخ به سوالاتی در مورد عملکرد داعش است. برای این منظور سعی شده است که از دیدگاه مایکل فیشر انسان‌شناس و جامعه‌شناس امریکایی بهره بگیرد و از دیدگاه وی به عنوان چارچوب پژوهشی استفاده کند. سوال اصلی پژوهش آن است که «آیا می‌توان دیدگاه مایکل فیشر در مورد انقلاب ایران و نتیجه آن را در مورد جریان داعش به کار بست؟».

مایکل فیشر جامعه‌شناس امریکایی سه بار اوضاع اجتماعی-فرهنگی ایران را به شیوه مشاهده مشارکتی مطالعه کرده است. وی نخستین بار در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱ م برای تهیه رساله دکتری خود و دو بار دیگر در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ م در ایران به پژوهش پرداخته است. وی صاحب دو کتاب و چندین مقاله در باره سینما، انسان‌شناسی، دین و انقلاب در ایران است. مهم‌ترین کتاب فیشر درباره ایران، کتاب ایران: از مباحثه مذهبی تا انقلاب اسلامی می‌باشد که می‌توان آن را حاصل مطالعات میدانی

او در کشور دانست. این اثر در مجموعه کتبی که دانشگاه هاروارد درباره انسان‌شناسی فرهنگی منتشر کرده، جای می‌گیرد. همچنین این مجموعه با هدف درک و تفسیر نظام‌های فرهنگی و به قصد انجام مطالعات تطبیقی منتشر شده است. از همین رو باید کتاب فیشر را اثری در راستای بررسی نقش فرهنگ ایرانی - اسلامی در عظیم‌ترین تغییر اجتماعی ایران معاصر دانست. مقالات بعدی وی درباره ایران که پس از این کتاب منتشر شده، بیشتر بسط دیدگاه‌هایی است که در این کتاب ساخته و پرداخته کرده است (مهرآیین و فاضلی، ۱۳۸۶: ۱۵۱-۱۷۴). پژوهش طولی و میدانی فیشر در دوران انقلاب و پس از آن، اهمیت فراوانی در زمینه موضوع انقلاب اسلامی به وی بخشیده است. از آن جایی که در بخش چارچوب نظری پژوهش به طور مفصل به دیدگاه فیشر پرداخته می‌شود در اینجا از تفصیل بحث خودداری کرده و تنها به این نکته اکتفا می‌کنیم که هدف پژوهش حاضر این است که نظریه انقلاب فیشر را در زمینه انقلاب ایران به کار بگیرد تا بتواند تجربه تاریخی داعش را با دیدگاهی جدید تحلیل کند.

داعش یک جریان فکری افراطی با تمایلات مسلحانه است که با تفکر ایجاد یک دولت اسلامی تندرو شکل گرفته است. بعد از شکست طالبان در افغانستان، گروه نظامی وابسته به این تشکیلات با عنوان القاعده که حیات رسمی آن به سال ۱۳۶۷ بازمی‌گردد؛ در برخی کشورهای اسلامی و از جمله عراق اعلام موجودیت کرد. این جریان که مدعی بود ماهیتی فراملیتی دارد ابومصعب زرقوای را با تشکیل گروهی به نام جماعت توحید و جهاد در سال ۲۰۰۴ نماینده القاعده در عراق معرفی کرد (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۴۵). بنابراین می‌توان گفت تاریخ تشکیل داعش به زمان پس از حمله نظامی آمریکا به عراق در بهار سال ۲۰۰۳ باز می‌گردد. به طوری که در سال ۲۰۰۴ این گروه رسماً اعلام

موجودیت کرد و بیعت خود را با القاعده اعلام نمود. در آن زمان با نام القاعده و سپس در اکتبر ۲۰۰۶ این گروه به یک سازمان فراگیر برای گروه‌های شورشی عراق تحت عنوان حکومت اسلامی عراق تبدیل شد (قادری، ۱۳۹۲: ۴۲). از نظر زمانی فعالیت این گروه را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ و سپس از سال ۲۰۱۱ تاکنون.

پس از اینکه در سال ۲۰۰۴ ابومصعب زرقاوی نماینده القاعده در عراق معرفی شد و این گروه فعالیت خود را در آغاز کرد، طولی نکشید که دو سال بعد یک گروه نظامی به نام «دولت اسلامی عراق» به رهبری فردی به نام «ابوعمر بغدادی» در سامرا اعلام موجودیت کرد و در کنار القاعده و جماعت توحید قرار گرفت. در آوریل سال ۲۰۱۰ ابوعمر بغدادی در حمله هوایی امریکایی‌ها کشته شد و ابوبکر بغدادی به جای وی نشست. او بود که چهار سال بعد داعش را پایه‌گذاری کرد (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۹۳). در طول مدت هفت سال از تشکیل این گروه در سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ که زمان خروج نظامیان ائتلاف به رهبری آمریکا از عراق بود، این گروه عامل مرگ تعداد بسیاری از مردم عراق شد. وابستگی ابوبکر بغدادی به تفکرات طالبانی و القاعده در دوران حضور امریکایی‌ها در عراق و اظهارات و اقدامات او در بسیج توده علیه حضور آمریکا در عراق باعث شد تا به عنوان یکی از افراد وابسته به القاعده توسط امریکایی‌ها دستگیر و به مدت چهار سال در اردوگاهی به نام بوکا زندانی شود. با خروج آمریکا از عراق و آزادی زندانیان، بغدادی مجدداً فعالیت خود را از سر گرفت. سال ۲۰۱۱ دو اتفاق منجر به گشوده شدن فصل تازه‌ای از فعالیت‌های این گروه شد. یکی خروج نظامیان ائتلاف از عراق و دیگری آغاز جنگ داخلی سوریه که با توجه به نابسامانی اوضاع امنیتی سوریه، پای این گروه برای ورود به سوریه هم باز شد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

مسلماً داعش نه اولین گروه افراطی است که ادعای خلافت اسلامی دارد و نه قطعا آخرین آن‌ها خواهد بود، ولی اعمال و رفتار این گروه تأثیر زیادی بر افکار جهانی گذاشته است؛ به طوری که چرایی شکل‌گیری این گروه و اعمال رفتار افراط گونه‌ای که توسط آن‌ها انجام می‌شود، توجه بسیاری از پژوهشگران و محققان را به خود جلب کرده است. در پاسخ به چرایی شکل‌گیری این پدیده رویکردهای مختلفی در محیط‌های علمی و دانشگاهی وجود دارد که هر یک به نوعی درصدد پاسخگویی به آن هستند. گروهی از پژوهشگران معتقدند به دلیل وجود دولت‌های شکننده که به درستی وظایف یک دولت ملی را انجام نمی‌دهند و همچنین خلاء قدرت در منطقه - به دلیل عدم تمایل امریکا به مداخله و ایفای نقش هژمونیک - است که گروه‌های افراطی فرصت ظهور و بروز پیدا می‌کنند. از نظر این گروه، موج بهار عربی که در مقابل دولت‌های استبدادی شکل گرفته از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری داعش محسوب می‌شود. برخی دیگر از محققان نیز مهم‌ترین عامل سیاسی شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تکفیری را نبود خلافت اسلامی در جهان اهل سنت مطرح کرده‌اند. از طرفی زمینه‌های فرهنگی چنین گروه‌هایی را به نفوذ فرهنگ غرب و گسترش تفکر اومانیسم و سکولاریسم نسبت می‌دهند (فرمانیان، ۱۳۸۶: ۱۸۵-۲۰۰). یکی دیگر از عوامل مهم تأثیرگذار بر پیدایش داعش، برداشت نادرست عوام از دین مطرح شده است که پیاده‌نظام این افکار محسوب می‌شوند (نثاری، ۱۳۹۳: ۱).

پژوهشگران علوم سیاسی ریشه به وجود آمدن داعش را نتیجه تقابل تجدد و سنت می‌دانند و از طرفی به تئوری دیالکتیک هورکهایمر معتقدند. او اعتقاد دارد هرگاه جهان اسلام با بحران روبرو شده، تلاش کرده است تا در جهت احیای اسلامی حرکت کند (مسعودنیا، ۱۳۹۳: ۳). بخش

حکومت اسلامی عراق در این سال محدود به فعالیت خود را وسیع تر کرد و به دولت اسلامی عراق و شام تغییر نام داد. از این رو داعش را می‌توان مولود نامبارک تهاجم خارجی امریکا و انگلیس به عراق نامید که با شعار مبارزه با امریکا تلاش کرد با دامن زدن به تبلیغات دروغین مذهبی و مظلوم نمایی، به عنوان جایگزین نیروهای اشغالگر امریکایی در عراق به آمال خود مشروعیت و تأسیس دولت به اصطلاح اسلامی شام و عراق را رسمیت بخشد. خروج امریکا از عراق و بحران سوریه، تغییر میدان فعالیت داعش از عراق به سوریه و نزدیکی دیدگاه‌های امریکا، اسرائیل و عربستان سعودی در خصوص دولت بشار اسد، فصل مشترکی در روابط این گروه تروریستی با این کشورها را گشود. گروه داعش با استقاده از مرز مشترک با عربستان و سوریه و دریافت تسلیحات و کمک‌های نظامی از طریق این مرزها، فعالیت‌های خود را در سوریه با تمام قوا پیش برده است. این گروه تروریستی به سهولت از مرز عربستان با صحرای الانبار، هرچه را می‌خواستند به عراق و سپس از مرزهای مشابه سوریه، به مناطق درگیری می‌رساندند.

پس از آغاز بحران سوریه داعش با بهره‌برداری از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی قابل توجه سایر کشورها همچون ترکیه، به سرعت خود را به مناطقی که گروه‌های مسلح مخالف سوریه در نبرد با ارتش این کشور تصرف کرده بودند تحمیل کرد و به نوعی مناطق گسترده‌ای از امتداد رود فرات و بخش گسترده‌ای از شمال سوریه را به محل تاخت و تاز خود بدل نمود. مناطق تحت نفوذ آن‌ها در عراق شش استان سنی نشین است که به مثلث سنی معروف است. داعش در کشور سوریه، در مناطقی از استان‌های ارقه، حلب، حومه لاذقیه، ریف دمشق، دیرالزور، حمص، حماه، الحسکه و ادلب پراکنده بودند و در برخی از این مناطق نیز کنترل کامل را به دست گرفته بودند.

وسیعی از اندیشمندان به بررسی سابقه تاریخی داعش پرداخته و معتقدند داعش ریشه در اندیشه‌های ابن تیمیه دارد و بسیاری از اعمال خشونت‌آمیز خود را به فتاوی او مبنی بر گردن زدن کفار نسبت می‌دهند.

از طرفی اعتقاد به خلافت که برای اعراب خاصیتی نوستالژیک دارد، در مقابله با شکل غربی حکومت یعنی دولت شکل گرفته است (ماهنامه مهرنامه، ش ۳۷، ویژه‌نامه سودای خلافت، ۱۳۹۳: ۱۲-۳۰۴). اسپوزیتو، مهم‌ترین عوامل رشد گروه‌های افراطی در سوریه را این‌گونه عنوان می‌کند: «اعمال خشونت توسط رژیم اسد علیه مردم و گروه‌های اپوزیسیون؛ ناکامی جامعه بین‌المللی در اقدام و همکاری با بازیکنان منطقه‌ای جهت اعمال یک راه حل سیاسی؛ حمایت کشورهای منطقه خلیج فارس و سایر مناطق جهان از گروه‌های سلفی جهادی و به حاشیه راندن مسلمانان سنی در عراق توسط دولت مالکی» (اسپوزیتو، ۲۰۱۴: ۴). نگاهی گذرا به نظرات دانشمندان و محققان نشان می‌دهد که آن‌ها بیشتر از منظری سیاسی و اندیشه‌ای به بررسی پدیده داعش پرداخته‌اند.

قطعاً بررسی پدیده‌ای چون داعش، می‌طلبد که با رویکردی چندجانبه مورد تحلیل قرار گیرد تا نتایج قابل قبول در این زمینه حاصل گردد. نظریه مایکل فیشر که چارچوب نظری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد، نه تنها رویکردی تاریخی دارد، بلکه به عوامل درونی و بیرونی انقلاب اسلامی توجه خاصی نشان داده است. البته در اینجا یک نکته حائز اهمیت است و آن اینکه نظریه مایکل فیشر از درون یک مطالعه موردی به دست آمده است و خود او هرگز این ادعا را نکرده که این نظریه قابل تعمیم به سایر انقلاب‌ها یا جنبش‌های دینی و اجتماعی است. اما در این پژوهش نویسندگان قصد دارند با کشف و به دست آوردن کلیات دیدگاه فیشر، نظریه او را که دیدگاه جامعی به نظر می‌رسد

برای تحلیل شکل‌گیری و تداوم چندساله داعش به کار بگیرند.

۳. نظریه مایکل فیشر

کتاب ایران از مباحثه مذهبی تا انقلاب اسلامی اثری است درباره تغییر فرهنگ و خصوصاً نقشی که دین در این زمینه ایفا می‌کند. نظامی که هم در مدارس دینی و در بین طلاب علوم دینی تدریس می‌شود و هم بین عامه مردم. فیشر همراه با بررسی این نظام، تغییرات شخصیتی ناشی از تعلیم و تربیت دینی جامعه ایرانی را مطالعه می‌کند. هدف اصلی فیشر پاسخ به این سوال است که چگونه سازوکارها و پویایی‌های درونی فرهنگ به ایجاد تغییر اجتماعی به عظمت انقلاب ایران انجامیده است. البته فیشر علاوه بر عوامل درونی مانند نظام آموزشی و فرهنگ، عوامل مهم دیگری را برای انقلاب مهم می‌شمارد. از جمله:

۱- جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دنیای اسلام

۲- مقایسه تطبیقی امکان وقوع انقلاب‌ها در اواخر

قرن بیستم

۳- نقش ایدئولوژی در تغییر ساخت طبقاتی

در ضمن فیشر در پی آن است که چگونه دین به مثابه زبان مباحثه، سلاحی برای مباحثه می‌شود و نشان می‌دهد که تفسیر و دیدگاه، همواره اجزای ضروری دین هستند. فیشر معتقد است برای اندیشیدن در مورد انقلاب ایران باید پنج مسئله اصلی را در نظر داشت. ما نیز سعی می‌کنیم این پنج اصل مهم را در تحلیل موضوع داعش به کار بگیریم.

۱- انقلاب ایران در بستر پنج نسل جنبش‌های

اسلامی (یعنی دو قرن گذشته) قرار دارد.

۲- انقلاب ایران را باید در بستر یک قرن اخیر مطالعه

کرد.

۳- انقلاب ایران یک فرایند است و باید دید آیا در

الگوی انقلاب‌های جهانی می‌گنجد یا خیر؟

۴- باید صورت شیعی انقلاب ایران را که به مثابه زبان بسیج عمل کرده است در نظر گرفت.

۵- باید برنامه اجتماعی انقلاب اسلامی را مورد مطالعه قرار داد.

۴. جریان شناسی داعش براساس نظریه فیشر

همان‌طور که ذکر شد دیدگاه فیشر را باید اندیشه‌ای دانست که سعی کرده نگاهی همه‌جانبه به مسائل داشته‌باشد. او تجربه‌ها و جریان‌های اجتماعی را در متن جریان‌های دیگر می‌بیند. می‌توان گفت جنبش‌های اجتماعی دو‌یست سال اخیر که درون جهان اسلام رخ داده به نوعی زمینه را برای شکل دادن و ظهور داعش فراهم کرده است. حرکت داعش را به نوعی می‌توان در امتداد و همسو با برخی از این جنبش‌ها و هم‌چنین در تعارض و نوعی واکنش به برخی از آن‌ها دانست. از مهم‌ترین جنبش‌ها که غالباً جنبش‌های اجتماعی با ریشه دینی بوده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- جنبش‌های اواخر قرن هجدهم و ابتدای قرن نوزدهم میلادی که بر پیراستن اسلام از خرافه‌گرایی و مناسک‌گرایی، استفاده آزادانه از اجتهاد، تقدم مسائل اجتماعی- اخلاقی بر امور متافیزیکی فلسفی و نظامی‌گری سیاسی تأکید داشتند.

۲- جنبش مدرنیسم اسلامی، افرادی همچون محمد عبده و سید جمال الدین اسدآبادی که با تجربه قانون اساسی در ایران، ترکیه، عراق و مصر همراه بود. طرفداران این جنبش به سازگاری دموکراسی و اسلام قائل بودند. در همین دوره تفاسیر مدرن از مفاهیم اسلامی ارائه می‌شود. این دوره مصادف با حرکت رضاشاه است. در نظر گرفتن اقتصاد سیاسی وابسته و نخبه‌گرایی در برابر طبقات پایین، نقطه ضعف این جنبش است.

۳- بنیادگرایی اسلامی که ناشی از شکست تجربه اصلاحات مدرنیستی در ایران و بقیه کشورهای اسلامی بود. اخوان المسلمین در مصر، جنبش‌های جماعت اسلامی

ابوالعلا مودودی در شبه قاره هند و فداییان اسلام در ایران نمونه‌هایی از این دست هستند که البته خود داعش را نیز می‌توان در زمره همین بنیادگرایان به شمار آورد. پوپولیسم و توسعه سازمان سیاسی، میراث نوبنیادگرایان است. این جریان دارای ویژگی‌های منفی از قبیل بی‌توجهی به ابزارها و نگرش‌های تاریخی و داشتن نگاه اقتدارگرایانه نسبت به اعضای غیر عضو خود بودند. این نکته را به راحتی می‌توان در حرکت داعش مشاهده نمود. تحریک پیروان از طریق بیان اتفاقات و رخداد‌های دوران صدر اسلام برای پیروان، برانگیختن حس مبارزه‌طلبی و از بین بردن دشمنان در درون یاران خود، تبدیل تمامی دیگری‌ها به دشمن از طریق رواج خشونت طلبی، تشدید دشمنی بین شیعه و سنی برای عوام، نمونه‌هایی از ویژگی‌های پوپولیستی نوبنیادگرایان است.

۴- جنبش سوسیالیسم اسلامی که جمال عبدالناصر در مصر، حزب بعث عراق، ذوالفقار بوتو در هند و پاکستان و انقلاب سفید شاه در ایران، نمونه‌هایی از این دست هستند. راهبرد این حرکت، استفاده از دولت برای مدرنیزاسیون اقتصادی و اجتماعی است. اقتدارگرایی و فساد از جمله نقطه ضعف‌های این حرکت می‌باشد.

بسیاری از متفکران معتقدند که یکی از دلایل ظهور و گسترش داعش، اقتدارگرایی، تمرکز قدرت و فساد در دورن کشورهای اسلامی و خاورمیانه است. این جنبش‌ها در آرزوی برپایی یک اتوپای آرمانی عاری از فساد و گناه هستند که البته برای دستیابی به این جامعه روشی بی‌نهایت خشونت‌آمیز و جنگ‌طلبانه را برگزیده‌اند. آغاز فعالیت و حرکت داعش در عراق و سوریه را می‌توان دلیلی بر صحت این دیدگاه دانست. داعش و بنیادگرایی خشونت‌آمیز واکنشی به فساد و اقتدارگرایی در کشورهای مسلمان خاورمیانه بوده است.

است. اما انقلاب ایران با آن‌ها متفاوت است و روحانیون سکان‌دار آن بوده‌اند. این ویژگی را البته می‌توان برای حرکت داعش و بنیادگرایان در نظر گرفت؛ چراکه اساس حرکت‌های بنیادگرایی و تکفیری، نیروی محرکه دین است.

فیشر در قسمتی از پژوهش خود به مقایسه انقلاب ایران با سایر انقلاب‌ها می‌پردازد و تحلیل می‌کند که اشتراکات بسیاری با سایر انقلاب در نحوه شکل‌گیری دارد. این موضوع را برای تحلیل داعش به طور مفصل مورد توجه قرار خواهیم داد. نکته قابل توجه در مقایسه داعش با سایر الگوها، این است که به احتمال بسیار زیاد در شکل‌گیری داعش، تنها عوامل درونی و فرهنگی آن چنان که فیشر بیان می‌کند، دخیل نیستند و عوامل خارجی اثرگذاری بیشتری داشته‌اند. پیوستگی بیشتر ارتباطات جهانی سبب می‌شود که ما ناچار شویم شکل‌گیری و گسترش داعش را تنها در چارچوب معادلات منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی بنگریم. در جهان پیچیده مدرن که رخدادهای گوناگون، زاینده عوامل گسترده بین‌المللی هستند، تحلیل شکل‌گیری داعش تنها با در نظر گرفتن عوامل درونی کاری عبث و بیهوده است. به ویژه که طول دوران فعالیت داعش، کیفیت آن، میزان فعالیت و مواجهه با دولت‌های گوناگون همچون عراق و سوریه، نشان می‌دهد چنین جریانی نه تنها متأثر از روابط ملی و منطقه‌ای است، بلکه با حمایت برخی از کشورهای خاص به حیات خود ادامه داده است.

داعش در سال ۲۰۱۴، همزمان با اشغال عراق در مسجد جامع نوری موصل «خلافت اسلامی» خود را اعلام کرد. این گروه که بر خلاف گروه القاعده، دارای سرزمین سازمان‌های بروکراتیک، منابع مالی و نیروزی نظامی منظم شد، در مقابل دولت‌های سوریه و عراق به صورت رسمی و دولت‌های ایران و روسیه و چندین گروه مردمی همچون حزب الله، حشدالشعبی و حتی عشایر اهل سنت که به

۵- احیاءگرایی اسلامی که واکنشی در مقابل اقتدارگرایی فاسد در جهت جستجوی هویت اخلاقی در قالب زبان نوبنیادگرایان دهه ۱۹۶۰م بود. فیشر معتقد است این جنبش‌ها در درون دولت‌ها نهادینه شدند و نتوانستند با آرمان عدالت اجتماعی زندگی کنند و برنامه روشنی برای اقتصاد و رفاه اجتماعی نداشتند. در اینجا می‌توانیم از دو جنبش دیگر نام ببریم که حرکت داعش به نوعی در واکنش به آن‌ها شکل گرفته‌اند.

۶- انقلاب اسلامی ایران که با شعار مقابله با استکبار در مبارزه با نفوذ و گسترش سرمایه‌داری غرب در ایران و منطقه تلاش نموده است. رویکرد جمهوری اسلامی نسبت به غرب و کشورهای سرمایه‌داری اروپایی، سبب گشته است که از آغاز، روابط ایران با کشورهای منطقه به ویژه عربستان سعودی، چندان روابط حسنه‌ای نباشد و همین زمینه‌ساز گسترش جنبش‌های ضد شیعی در منطقه شده است.

۷- گسترش روشنفکری دینی، زمینه را برای توسعه دیدگاه‌های سکولار و اومانیستی فراهم می‌کند که قطعاً با رویکرد و نگرش فقهی دینی همخوانی و همزیستی نخواهد داشت و در مواردی واکنش‌هایی همچون صدور حکم ارتداد را برای عده‌ای در پی داشته است.

یکی از اصلی‌ترین مسائل در مورد جنبش‌های مذکور، پاسخ به نحوه مواجهه و برخورد با مدرنیته و غربی شدن بوده است. هرکدام از این رویکردها در جوامع اسلامی، متفاوت با دیگری بوده است و همین امر، زمینه‌ساز تفاوت کشورهای منطقه برای دوران‌های مختلف در ارتباط با یکدیگر و همچنین نوع وابستگی‌شان به کشورهای سرمایه‌داری یا سوسیالیستی بوده است. فیشر علاقه دارد تا انقلاب‌ها به ویژه انقلاب ایران را در بستر یک قرن اخیر مشاهده کند. وی بیان کرده که ویژگی بیشتر حرکت‌ها و انقلاب‌های یک قرن اخیر، ائتلاف و اتحاد روحانیون و سکولارها در تمامی آن‌ها بوده

وفات رسول خدا، بیعت فقط با خلیفه معنا پیدا می‌کند (حزب‌التحریر، ۲۰۰۵: ۱۰). خلیفه کسی است که از طرف امت نیابت می‌کند و رهبری او را تنفیذ می‌کنند. هنگامی که خلیفه از طرف امت انتخاب می‌شود، در امر حکومت و رهبری و اجرای احکام شرعی، نایب امت است. خلیفه مستقر نمی‌شود، مگر با بیعت امت اسلامی. هنگامی که با او بیعت کردند، در واقع او را نایب خود قرار داده‌اند. بنابراین، خلافت منعقد و اطاعت از او بر امت اسلامی واجب می‌شود.

مشهود است که از جمله عوامل مانایی که اتفاقاً مهم‌ترین نقش را در مشروعیت داعش داشته، احیای خلافت اسلامی است. این امر باعث شد تا هزاران جوان سرخورده به سمت سرزمین‌های اشغالی این گروه هدایت شوند و خلافتی وحشتناک از ترور و خون و خشونت را پایه‌گذاری کنند. همان‌طور که در اندیشه سیاسی اهل سنت، خلیفه محوری‌ترین عنصر تشکیل و بقای حکومت اسلامی است؛ خلیفه داعشی نیز اساسی‌ترین عنصر تشکیل دولت و وفاداری به آن مهم‌ترین علت مانایی داعش است. این از کلیدی‌ترین مشوق‌های جنگجویان برای استقامت در برابر دشمنان خود و دفاع و حراست از دولت اسلامی است، تا اینکه آن را به مهدی موعود تحویل دهند. در نظام گفتمانی داعش مجموعه‌ای از مبانی، روش‌ها و استراتژی‌ها به شرح ذیل به صورت شعاری برای اغوای مردم ارائه می‌شوند:

۱- نظام سیاسی خلافت اسلامی به عنوان مبنایی است که براساس شریعت اسلامی بر مردم حکومت می‌کند. خلیفه داعشی به عنوان جانشین پیامبر اسلام برای هدایت و رهبری جهان اسلام معرفی می‌شود. خلافت او به معنای تطبیق احکام اسلام مانند دولت نبی اسلام، مستقل به ذات است و از هیچ کدام از شیوه‌های حکومتی موجود در جهان پیروی و نسخه‌برداری نمی‌کند. داعش بیعت با اکراه را قبول ندارد،

صورت نیروهای کمکی، داعش را مورد تهاجم قرار داده بودند، بیش از هشت سال دوام آورد. مؤلفه‌های مؤثر بر مانایی داعش باید در دو سطح عوامل درونی و عوامل بیرونی برآورد شوند تا بتوان اجماع یکدستی از مانایی این گروه ارائه داد.

۵. عوامل درونی مؤثر در تثبیت جریان داعش

عوامل متعددی در درون سرزمین‌های تحت اشغال داعش قابل ذکر هستند که بر مانایی این گروه مؤثر بوده‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱-۵. عامل گفتمانی

هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. اعمال، گفتارها و پدیده‌های زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاص قرار بگیرند (تاجیک، ۱۳۸۷: ۹۵-۶۹). هر گفتمان برای اینکه معنا بدهد، مجموعه «دال»ها و مدلول‌هایی را در بر می‌گیرد و در میان همه دال‌ها، دال مرکزی از اهمیت حیاتی برخوردار است. دال مرکزی همچون عمود خیمه است که برداشتن آن فرو ریزی قطعی را در پی خواهد داشت. به واقع در سازه گفتمان که مجموعه‌ای منسجم و دارای هارمونی است، دال برتر هسته مرکزی آن است و نیروی جاذبه هسته (دال) مرکزی، سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند (کسرابی و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۶۰-۳۳۹). چون امر خلافت در جهان اهل سنت پدیده‌ای اعتقادی است، داعش برای مشروعیت بخشی به حکومتش، این موضوع را به عنوان دال مرکزی گفتمان خود قرار داد. موضوعاتی مانند هجرت، جهاد و شهادت، دال‌های شناوری هستند که برای استقرار و تداوم دال مرکزی استفاده می‌شود و در مجموع گفتمان داعش را تشکیل می‌دهد.

اگر هسته اصلی گفتمان اهل سنت را در امر امارت و حکومت خلیفه بدانیم، این نهاد با بیعت کتاب خدا و سنت رسول‌الله برای حکومت منصوب می‌شود. بنابراین بعد از

کسی مهاجرت نکند، منتظر عذاب الهی باشد و از دین پیامبر خارج است» (عبدالعزیز، ۱۴۲۲: ۱۶). این نگاه باعث شد که افراد زیادی از سراسر جهان خصوصاً کشورهای اسلامی خاورمیانه به آن‌ها بپیوندند.

موضوعات یادشده، از پذیرش قابل توجهی در میان اهل سنت برخوردار شد و بر همین سیاق بود که شهر به شهر، موصل تا حلب، به راحتی و بدون مقاومت و حتی با استقبال به دست داعش افتاد. داعش در ادامه نشان داد که پایبند به هیچ ایدئولوژی و گفتمانی نیست. آن‌ها بیعت را با زور می‌گرفتند، تجاوز به عنف مردم می‌کردند، راهزنی و اخاذی پیشه می‌نمودند و مرتکب کشتار بی‌گناهان، اسیران، مجروحان، زنان و کودکان شدند. آنچه در این باب واقعیت دارد، این است که داعش در ابتدا بخشی از نیروهای ارتش خود و مردم شهرها را براساس این گفتمان دور خود جمع کرده است.

داعش با تکیه بر موضوعاتی چون احیای خلافت، برگرداندن عظمت گذشته دنیای اسلام، مبارزه با فرقه‌گرایی، دوقطبی‌سازی جهان اسلام و جهان کفر نه تنها ورود خود به بسیاری از بلاد سنی نشین را تسهیل کرد؛ بلکه مشروعیت رفتارهای خشن و غیرانسانی خود را از همین مجرا و مبتنی بر شریعت فراهم نمود و همین نیز در جایگاه علتی مهم، باعث مانایی داعش شد.

۲-۵. نارضایتی سیاسی-اجتماعی

از دیگر عوامل مؤثر بر ماندگاری داعش، وجود نظام بسته و حکومت‌های استبدادی در کشورهای عربی بوده است. به این صورت که تعداد کثیری از اعضای داعش، ساکنان این کشورها بوده‌اند. خیانت سران کشورهای عربی به جهان اسلام و زخم‌های ماندگاری همچون موضوع فلسطین موجب تعمیق نارضایتی‌های اجتماعی بسیاری شد. در این کشورها مردم معتقدند سران کشورهای عربی مانند

زیرا بندگان خدا باید با رضایت کامل بیعت کنند. دولت اسلامی کارها (از کوچک و بزرگ) را براساس قوم، نژاد، خون و رنگ واگذار نمی‌کند، بلکه اساس عمل لیاقت افراد و شریعت اسلامی است.

۲- راه و روش جهان شمول دولت اسلامی این است که دولت خود را متعلق به همه مسلمانان جهان اعم از سیاه و سفید، عرب و عجم دانسته و هیچ تفاوتی بین آن‌ها جز از مجرای تقوای الهی قائل نیست.

۳- استراتژی دولت اسلامی، آزادسازی همه دولت‌های اسلامی از حکام کافر است.

داعش متأثر از اندیشه سیاسی سیدقطب، هرکجا که حاکم براساس شریعت و به روش خلفای راشدین انتخاب نشده باشد و کشور براساس احکام و قوانین اسلام اداره نشود، آن حکومت را باطل می‌داند؛ اگرچه همه مردم آن مسلمان باشند. در چارچوب گفتمانی داعش، غیریت‌سازی امری مشهود و بنیادی است. آن‌ها جهان را به دو دسته دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کنند و هر جا که حاکم براساس سنت سلف صالح انتخاب شده باشد و قوانین اسلامی ساری و جاری باشد، آنجا دارالاسلام است؛ ولو اینکه بیشتر مردم آن کشور کافر باشند. در مقابل هر کجا که قوانین آن براساس احکام اسلامی نباشد و حاکم با شیوه‌ای غیر از شیوه خلفای راشدین انتخاب شده باشد، دارالکفر است. در نتیجه، همه کشورهای اسلامی، دارالکفر و غیراسلامی هستند و تنها دولت اسلامی داعش دارالاسلام است. در این باره شیخ عبدالرحمن العلی از سران داعش می‌گوید: «کشوری که در آن قانون دست بشر حکومت می‌کند، اسلامی نیست و باید از آن مهاجرت کرد» (العلی، ۱۴۳۷: ۱۰). شیخ عبدالعزیز، یکی دیگر از علمای داعش با تشویق به مهاجرت می‌گوید: «اگر کسی نتواند در دارالکفر دینش را اظهار کند و امکان مهاجرت داشته باشد، مهاجرت بر او واجب است و اگر

عربستان، اردن و مصر، برای سرکوبی مردم مظلوم فلسطین به اسرائیل کمک می‌کنند. احساس سرخوردگی مردم سنی عراق و سوریه موجب شد تا اهل تسنن این کشورها رویه شدیدتری در پیش گیرند تا در بهار عربی به سمت براندازی حرکت کنند.

داعش که موج سوار عرصه هرج و مرج بود، بر پشته‌های این تلاطم سوار شد و در نشریات خود مانند دابق، فذکر، النبأ و سایت‌های مکتبه‌الهمه، الوفا به صورت مستمر علیه حکام کشورهای عربی و منطقه‌ای تبلیغ کرد. داعش کشورهای قدرتمند و با نفوذ اهل سنت، عربستان سعودی و ترکیه، اردن و مصر را علل عقب‌ماندگی و مشکلات جهان اسلام می‌دانست و سران عراق و سوریه را کافر حربی معرفی می‌کرد و مدعی بود آنچه مانع می‌شود تا مجاهدین مسجدالاقصی را آزاد کنند، حکام طاغوتی هستند. همچنین داعش از نارضایتی‌های اجتماعی ناشی از قرارداد سایکس پیکو استفاده می‌کرد و با ابراز این مطلب که این قرارداد بر جهان اسلام تحمیل شده است تا نظام مبتنی بر خلافت از هم بپاشد، مشروعیت مرزهای بین‌المللی را نابود کرد. آن‌ها همچنین از حضور امریکا و غرب در منطقه به عنوان مؤلفه‌ای دیگر از نارضایتی‌های اجتماعی - سیاسی کمک گرفتند و خود را نسخه‌رهایی بخش اسلام اصیل معرفی کردند. در این خصوص ابوبکر بغدادی، از شاخه القاعده عراق و پدرخواندگان داعش می‌گوید: «به برادران مان در غزه وعده می‌دهیم که در جنگ، یاری‌کنندگان یهود در عراق را تحقیر می‌کنیم و به زودی در عملیات بر ضد اشغالگری امریکا پیروز خواهیم شد» (امینیان و زمانی، ۱۳۹۵: ۱-۲۴). همچنین شیخ ابی یحیی‌اللیبی می‌نویسد: «جنگ امروز با دشمنانی است که امریکا در رأس آن‌ها قرار دارد. جنگی نیست که یک وقت فروکش کند و تا ساعاتی دیگر ادامه پیدا کند، یا یک روزه تمام شود و پیروز مشخص شود، کما اینکه

در گذشته چنین بود. جنگ ما اکنون، جنگ اراده، تصمیم، تشخیص و تمیز است. هریک از دو طرف نقاط قوت و ضعفی دارند؛ اما مهم این است که به دقت بررسی شود، نقطه ضعف دشمن شناسایی و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به آن‌ها خسارت وارد کنید. درباره غرب خصوصاً امریکا چنین باید کرد» (اللیبی، ۲۰۱۶: ۱۰). یا در رسانه‌های رسمی داعش می‌بینیم که آن‌ها امریکا را مادر مشرکین عالم می‌دانند و معتقدند فقط دولت اسلامی است که زیر سلطه نیست: «امریکای امروز رئیس طاغوت جهان است، اراده و سلاح امریکا در جنگ با اسلام و مسلمین است و از این منظر جنگ با امریکا جهاد با طاغوت است» (النبأ، ۱۴۳۷: ۱۳). داعش با استفاده از این نارضایتی‌های سیاسی - اجتماعی موجود در جهان اسلام، در ابتدا برای مردمی که انقلاب‌های آن‌ها در سال ۲۰۱۱ یکی یکی به یغما می‌رفت، سرمشقی موفق از پیروزمندی و ظفر شد. آنها خوب می‌دانستند حضور امریکا در منطقه، حکام مستبد و وابسته، اختلافات طایفه‌ای، زخم عمیق موضوع فلسطین، عقب‌ماندگی جهان اسلام، به حاشیه رفتن قرآن، سرخوردگی جوانان مسلمان در جهان و آمال فروخورده مسلمانان در برابر مدرنیته و استعمار، پاشنه آشیل جهان اسلام است. بنابراین، با ارائه نظام خلافت و بدون اینکه حتی به یکی از مسائل مهم جهان اسلام پردازند، جمعیت کثیری را اغوا کرده و کشتار وسیعی به راه انداختند.

۳-۵. منابع مالی و اقتصادی

ظهور قدرتمندانه و پیشروی داعش در سوریه و عراق، بدون منابع مالی میسر نبود. دولت خودخوانده داعش با حمایت کشورهای منطقه و استفاده از ظرفیت‌های نفتی، کشاورزی، صنعتی و مالی کشورهای عراق و سوریه و همچنین با مالیات بستن به مردم تحت امر و جزیه گرفتن از غیرمسلمانان، فروش عتیقه و اخاذی قدرت یافت.

مهم‌ترین منبع تأمین مالی داعش نفت بود. این سازمان تروریستی توانست بر قسمت‌های وسیعی از شرق سوریه و عراق شامل الرقه، حسکه و دیرالزور در سوریه، تکریت، موصل و دیالی در عراق تسلط پیدا کند. داعش بعد از استخراج نفت در این مناطق، با روش نوین و با استفاده از ماشین‌های حمل سوخت، نفت را به کشورهای ترکیه و دولت‌های مجاور با قیمت اندک به فروش می‌رساند (شریفات، ۱۳۹۴: ۶۸). داعش توانست با اتکا بر نفت ارزان و مسیر ترانزیتی نسبتاً باز که از ترکیه به مدیترانه می‌رسید، منابع مالی خوبی جذب کند. این گروه توانست به تسلیحات بیشتر و بهتری از بازار سیاه دست پیدا کند و با توان مالی اعضای بیشتری جذب کند. به یقین اگر داعش به نفت دست نمی‌یافت، قادر نبود سال‌ها به مقاومت بپردازد.

یکی دیگر از منابع مالی داعش اخذ مالیات بود. مالیات‌گیری داعش با دو هدف دنبال می‌شد: نخست درآمد قابل اعتنا و جایگزینی که در صورت از دست رفتن نفت، در دسترس باشد. هدف دیگر به انقیاد در آوردن مردم تحت امر در چارچوب نظام بیعت با خلافت و رام کردن آن‌ها. این سازمان مالیات ده درصدی را بر درآمد سرزمین‌های اشغالی تعیین کرد و بر ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی که مالکیت آن‌ها به شهرداری‌ها و یا اوقاف اختصاص داشت تسلط یافت و آن‌ها را به ساکنان اجاره داد. همچنین مالیات زیادی را از تجار و بازاریان، کشاورزان، صنعتگران و شهروندان ثروتمند در مناطق تحت کنترل خود دریافت کرد. داعش طی یک ماه، از تجار شهر موصل ۸ میلیون دلار مالیات گرفت. میزان دریافت مالیات از نشر کتاب‌ها و مؤسسه‌های محلی حدود شش میلیون دلار در ماه تخمین زده می‌شود (نجات، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

یکی دیگر از منابع تأمین هزینه‌های داعش، غارت بانک‌ها بود؛ به گونه‌ای که از بانک‌های شهر موصل به تنهایی ۴۲۹

میلیون دلار و نیز در فلوجه ۹۰ میلیون دلار نصیب این گروه شد. این جدای از امانات مردم اعم از پول و طلائی است که در صندوق این بانک‌ها نگهداری می‌شد (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). برخی دیگر این رقم را ۴۰۰ میلیون دلار برآورد کرده‌اند. بر این مبالغ بایستی میزان غارت شمش‌های طلای بانک و طلافروشی‌ها را اضافه کرد که پشتوانه مهمی برای داعش محسوب می‌شدند.

داعش از طریق فروش اشیای عتیقه و تاریخی در سوریه و عراق که عمدتاً به امریکا، اروپا و کشورهای حاشیه خلیج فارس انتقال داده شدند، درآمد هنگفتی کسب کرد. همچنین در مناطق النبوک و قلمون، آثاری با قدمت ۸۰۰۰ سال را به بهای ۳۶ میلیون دلار فروخت که این امر در گزارش‌های یونسکو تأیید شده است. داعش که گویا خود را دولت مستعجل می‌دید و هیچ دلبستگی به خاک سوریه و عراق نداشت، نه برای حاکمیت، بلکه برای غارت بسیج شد. این گروه هرگز به نفت، مالیات، اخاذی و غیره اکتفا نکرد، بلکه با فروش دارایی‌های فرهنگی و تمدنی عراق و سوریه در بازار سیاه که تخمینی از بهای آن در دست نیست، درآمد بسیاری به دست آورد؛ عاملی که این گروه را سرپا نگه داشت. اگر جبهه مقاومت داعش را شکست نمی‌داد، هم اکنون در دارالخلافه خود مستقر بود.

داعش ضمن آنکه به نیروهای خود، مواد مخدر و قرص‌های روانگردان برای انجام عملیات انتحاری و فعالیت‌های نظامی ارائه می‌کرد، آنان را در مناطق دیگر خاورمیانه به فروش می‌رساند. گفته شده این گروه سود ۲۰۰ میلیون دلاری را در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ از قاچاق مواد مخدر به دست آورده است. داعش در بسیاری از مواقع، اعضای بدن زندانیان شیعه، ترکمن، کرد و ایزدی را قبل از اینکه به جوخه اعدام بپردازد در بازار سیاه می‌فروخت. معاینه گورهای دسته‌جمعی کشف شده و بازرسی بسیاری از

اجساد تازه نشان می‌دهد که داعش بسیاری از اعضای بدن آن‌ها را دزدیده است.

۴-۵. ترس و وحشت

با توجه به بنیان‌های فکری داعش، خشونت بخش ذاتی این گروه است و اتفاقاً همین مسئله مهم‌ترین عامل جذب نیرو، پذیرش مردمی و مانایی داعش بوده است. بخش زیادی از نیروهای تحت امر داعش، افراد شروری بوده‌اند که به جهت حقارت‌های فردی و اجتماعی بدین گروه گرویده‌اند. داعش هنگام تصرف شهرها با ارباب و خشونت و پخش کلیپ‌های ذبح انسانی، قتل و کشتار، زمینه مقاومت‌های مردمی را در هم می‌شکست و در ادامه با عنوان اجرای شریعت، باعث تعمیق ترس می‌شد که البته با توجیهات ایدئولوژیک، مانایی خود را طولانی‌تر می‌کرد.

آشکارترین جنبه‌های تبلیغات ترسناک داعش، ارائه فیلم‌های اعدام، اعمال خشونت آمیز، کشتن جاسوس‌ها و بی‌رحمی مطلق بود. پوشش رسانه‌ای از کشتارهای داعش در مقیاسی جهانی موفقیت‌آمیز بود. تخریب خانه‌ها، مصادره اموال، پرتاب افراد دست‌بسته از ارتفاعات بلند، سنگسار کردن محکومین و اعدام‌های متناوب هفتگی در میدانی اصلی شهرها نمونه دیگری از عملکردهای خشن داعش بود که توسط فیلم‌ها و عکس‌های تبلیغاتی این گروه در اینترنت و سایر کانال‌های تبلیغی پخش می‌شد. عاملی مهم که نقش اساسی در پایداری داعش داشته است؛ زمانی که اراده مردم به وسیله ترس شکسته شود، هرگز روحیه مبارزه و قیام وجود نخواهند داشت.

۵-۵. تبلیغات و رسانه

از مهم‌ترین عوامل مانایی داعش که این گروه را از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد، نقش رسانه و تبلیغات گسترده آنان بوده است. تبلیغات جهانی و استفاده از بستر رسانه‌های نوین باعث شد که نه تنها این گروه دشمنان خود را مرعوب

ترس و تبلیغات خویش کند، بلکه محیطی جاذب برای افراد مستعد و طرفدارانش برای پیوستن مهیا کند. از جمله فناوری‌های تبلیغی داعش می‌توان به این موارد اشاره کرد:

فضای مجازی و ابزارهای نوین ارتباطی مانند توئیتر، فیس‌بوک، اینستاگرام و تلگرام نقش وسیعی در تجمیع نیروهای داعش و حملات برق‌آسای آنان به شهرها داشت. موفقیت داعش به حدی بود که روزانه حدود نود هزار توثیت توسط کاربران هوادار داعش ارسال می‌شد. از اکتبر تا نوامبر ۲۰۱۴، حداقل چهل و شش هزار کاربر تأیید شده متعلق به گروه داعش در توثیت شناسایی شدند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

۶-۵. داشتن سرزمین، قدرت و نیروی نظامی

برخلاف سایر گروه‌های تروریستی، داعش از قدرت نظامی توانمند و سرزمین برخوردار بود که به صورتی مجهز و آموزش دیده در سرزمین‌های تحت اشغال حضور داشتند. به لحاظ تعداد افراد نظامی، هر چند آمار رسمی وجود ندارد؛ اما آمارها حکایت از سی و پنج تا هفتاد هزار داعشی در جهان اسلام می‌دهد. داعش نخستین گروه تروریستی در جهان بود که صاحب ارتشی منظم و امکانات تسلیحاتی سنگین شده بود. داعش توانست تسلیحات پیشرفته‌ای همچون انواع تانک، خودروی زرهی، خودروهای جنگی پیاده نظام، توپ خودکششی، خودروهای امریکایی هاموی و توپ‌های بدون لگد را در عراق و سوریه به دست بیاورد. با این میزان داعشی و برخورداری از تسلیحات پیشرفته در پهنه چند میلیون هکتاری از اراضی عراق و سوریه، این گروه توانست بیش از هشت میلیون افراد را در شهرها و روستاها به سیطره بگیرد. ناگفته نماند که قدرت داعش را باید از آنجا تخمین زد که همزمان کشورهای ایران و روسیه، ارتش سوریه، بسیج مردمی عراق و گروه حزب الله لبنان به داعش حمله‌ور شدند.

۶. عوامل بیرونی مؤثر در تثبیت داعش

در جهان پیچیده امروز، بازیگران مهم و تأثیرگذار جهانی تنها با اتکا بر مسائل داخلی شکل نمی‌گیرند، بلکه تسهیل‌کننده‌هایی استراتژیک در سیاست بین‌الملل بر این رخدادها مؤثر هستند و طبیعت داعش نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۱-۶. داعش و حمایت امریکا و هم‌پیمانان

پشتیبانی از گروه‌های شورشی و تروریستی در سیاست خارجی امریکا - به ویژه در کشورهای همسوی با سیاست روسیه - امری ریشه‌دار است. اگرچه این کشور کمک‌های علنی خود را در جنگ داخلی سوریه متوجه ارتش آزاد کرد، لیکن آنچه واقعیت داشت حمایت‌هایی بود که به صورت تسلیحاتی از النصره و داعش برای براندازی حکومت سوریه به عمل آورد. این کشور حمایت کشورهای عربی از این گروه‌ها را مورد اغماض قرار داد (تخشید و جلائیان مه‌ری، ۱۳۹۶: ۵۶-۴۱).

موضوع کمک‌های امریکا به داعش حتی در مناظره‌های انتخاباتی ۲۰۱۶ امریکا از زبان دونالد ترامپ رسانه‌ای شد. هیلاری کلینتون در خاطراتش بر حمایت از داعش اشاره کرده و می‌نویسد: «ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم». همچنین او در جای دیگر می‌نویسد: «قرار بود ما روز پنجم ژوئیه ۲۰۱۳، در نشستی با دوستان اروپایی خود دولت اسلامی را به رسمیت بشناسیم. من به ۱۱۲ کشور سفر کردم تا نقش امریکا و توافق با بعضی از دوستان را درباره به رسمیت شناختن دولت اسلامی بلافاصله پس از تشکیل آن توضیح دهم، اما یکبار همه چیز در برابر چشمانمان به کودتای سی‌ام ژوئن در مصر علیه دولت اخوان المسلمین فرو ریخت، زیرا یکی از گروه‌هایی که قرار بود ما را در این نقش یاری کنند، اخوانی‌های مصر بودند» (نورانی، ۱۳۹۴: ۵۲).

۲-۶. تلاش برای توازن قدرت در خاورمیانه و حمایت از داعش
منطقه خاورمیانه با توجه به بافت فرهنگی - قومی، نفت و ژئوپولیتیک، از مناطق استراتژیک جهان محسوب می‌شود. کشورهای منطقه برای تبدیل شدن به هژمون این ناحیه یا توازن قدرت در منطقه، با یکدیگر در رقابت و نوعی نزاع قرار دارند. ایران، ترکیه و عربستان سه قدرت محوری منطقه هستند که هر یک مبتنی بر مؤلفه‌های متعدد قدرت ملی در سطوح داخل و خارج با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. تحولات درونی عراق پس از سقوط صدام، مسائل لبنان، هم‌پیمانی سوریه با ایران و انقلاب‌های عربی که منجر به سرنگونی حکومت‌های مصر، تونس و یمن شد باعث گردید که عربستان و ترکیه، خود را در برابر ایران بازنده ببینند. از طرف دیگر ترکیه که خود مبتنی بر دکترین نوع‌ثانی‌گری در پی احیای نقش قدیمی خود در منطقه بود، رقابتی سخت را با ایران آغاز کرد. نقطه تلاقی سیاست‌های هر دو کشور ترکیه و عربستان سعودی در سوریه (متحد استراتژیک ایران) به هم رسید؛ در نتیجه آشوب‌های داخلی این کشور مهم‌ترین بهانه برای دخالت در آن شد.

مبتنی بر همین سیاست بود که برنامه‌ریزی برای حمله داعش به عراق از ماه‌ها قبل از شروع، در اتاق جنگ سازمان‌های اطلاعاتی امریکا، عربستان سعودی، ترکیه، قطر، فرانسه و انگلستان، آغاز و هزینه سه میلیارد دلاری آن به سرعت توسط عربستان سعودی تأمین شد تا با وسعت بخشی به داعش، منافع متعددی کسب کنند.

عربستان سعودی در این عرصه به همراه متحدین عرب خود نقش پشتیبانی و حمایت مالی این گروه و سایر گروه‌های مشابه را برعهده گرفتند. جو بایدن، معاون وقت او باما اعتراف کرده است، داعش بدون حمایت‌های مالی و تسلیحاتی شاهزاده‌های عربستان نمی‌توانست به بزرگترین سازمان تروریستی جهان تبدیل شود. سعودی‌ها و اماراتی‌ها

صدها میلیون دلار و ده‌ها هزار سلاح در اختیار همه کسانی قرار دادند که قصد جنگ با بشار اسد را داشتند.

۳-۶. امنیت اسرائیل و مانایی داعش

رژیم صهیونیستی از جمله بازیگرانی است که به طور کامل از وجود داعش متنفع گردیده است. داعش باعث شد تا تمرکز دنیای اسلام از محور فلسطین به مسائل داخلی متمرکز و کشور سوریه به عنوان مهم‌ترین دشمن اسرائیل تضعیف شود. اسرائیل از وضعیت بی‌نظم منطقه در راستای شهرک‌سازی‌های بیشتر، انتقال پایتخت به بیت‌المقدس و سرکوب گروه‌های فلسطینی بهره‌برداری کرد.

همکاری داعش و موساد در راستای درگیرسازی جهان اسلام برای امنیت این رژیم و نیل به اهداف خاص ژئوپولیتیک قابل ملاحظه است. اسناد به دست آمده حکایت از این مطلب دارند که داعش یک گروه کنترل شده ای است که سرویس‌های امنیتی اسرائیل و غرب در پیدایی و حتی ماندگاری آن نقش قابل توجهی داشته‌اند. عدم حمله داعش به اسرائیل، انتقال مجروحین این گروه به اسرائیل، حمایت لجستیکی و اطلاعاتی اسرائیل از این گروه و ادعای ادوارد اسنودن، مبنی بر تولد ابوبکر البغدادی در خانواده یهودی، از جمله دلایل این ادعاست. اسرائیل مهم‌ترین بازیگری است که از داعش متنفع شده است. ایران، سوریه و محور مقاومت، درگیر این گروه تروریستی شدند، مرزهای اسرائیل امن‌تر شد، اختلافات طایفه‌ای در دنیای اسلام شعله‌ور شد و ظرفیت‌های بی‌شماری از منابع اقتصادی و انسانی به تاراج رفت.

۷. مقایسه اعتقادی تشیع و داعش

۱-۷. توحید و شرک

داعش در یک تقسیم‌بندی، توحید را به سه دسته توحید الوهیت، توحید ربوبیت و توحید اسما و صفات تقسیم کرده است. براساس این تعریف، اعتقاد صحیح از ناصحیح جدا

می‌شود؛ زیرا طبق ماهیت سه بعدی توحید، ایمان به توحید ربوبیت، نافی شرک نیست و فقط در کنار دو بعد دیگر کامل می‌شود. به عبارت دیگر هرکس که به هر سه نوع توحید اعتقاد نداشته باشد، صرف نظر از شیعه یا سنی بودن، مشرک است (عباسی، ۱۳۹۳، ۹۳-۱۲۰). از دیدگاه داعش با اعتقاد همزمان به سه دسته توحید، فرد مسلمان تلقی می‌شود و در غیر این صورت، مشرک یا کافر است. اما از نظر شیعه اگر فرد به وحدانیت خدا معتقد باشد، مسلمان است.

۲-۷. ایمان و کفر

در اندیشه علمای شیعه ایمان حالتی است قلبی و درونی که در اثر دانستن یک مفهوم و گرایش به آن حاصل می‌شود و با شدت و ضعف هر یک از این دو عامل، کمال و نقص می‌پذیرد. قوام ایمان به گرایش قلبی و اختیار است، بر خلاف علم و آگاهی که بدون اختیار هم حاصل می‌شود. از این رو ایمان را باید یک عمل اختیاری قلبی دانست؛ چراکه با توسعه در مفهوم عمل، ایمان را هم از مقوله عمل به حساب آورد. عمل اختیاری و شایسته همسو با ایمان است و یا کار ناشایسته و مخالف با جهت آن. در نگاه شیعیان، فرد مؤمن با ارتکاب گناه کافر نمی‌شود، بلکه فاسق می‌شود و همچنان از حقوق مسلمانی برخوردار است. در نگاه داعش، مسلمان باید مسلمان بودنش را اثبات کند؛ در غیر این صورت کافر است و باید برای اثبات مسلمانی‌اش برهان داشته باشد و دلیل نزد آنان این است که فرد به همان چیزی ایمان داشته باشد که آن‌ها را باور دارد. در غیر این صورت، خون، ناموس و اموال آن فرد بر آنان حلال است (صدرالحسینی، ۱۳۹۵: ۷۲). داعش عمل را جزئی از ایمان می‌داند. از نظر آنان اگر کسی به خدا ایمان داشته باشد ولی مرتکب گناه کبیره شود، از دین خارج و مرتد است و در صورتی که کفر آنان کفر بزرگ باشد، جهاد علیه آنان واجب است.

۳-۷. توسل و شفاعت

بزرگ‌ترین و نهایی‌ترین امید مؤمنان گناهکار شفاعت است. این کلمه که از ریشه شفع به معنای جفت گرفته شده، به این معنی به کار می‌رود که شخص آبرومند از بزرگی، بخواهد از کیفر جرم او بگذرد و بر پاداش خدمت بیفزاید. در موارد متعارف، علت اینکه کسی شفاعت شخصی را می‌پذیرد، این است که اگر نپذیرد شفاعت کننده رنجیده می‌شود و رنجش خاطر او سبب محرومیت از لذت خدمت و یا حتی ضرری از ناحیه شفیع گردد. خود آیات قرآن شفاعت به اذن خدا را اثبات کرده و شرایط شفیعان و کسانی را که مشمول شفاعت هستند، بیان کرده است. پذیرفته شدن شفاعت شفیعان، به واسطه ترس یا نیاز نیست؛ بلکه راهی است که خود او برای کسانی که کم‌ترین لیاقت دریافت رحمت ابدی را دارند قرار داده است.

خداوند دنیا را دار اسباب قرار داده است و شرک هم امری قلبی است. اگر کسی را که حاجت از اول می‌طلبد، خدا یا شریک نداند، اصلاً مانعی ندارد که حاجت از وی طلب کند. در آیه ۳۹ سوره مائده آمده است از خدا بترسید و به وسیله اولیای خدا متوسل شوید. بنابراین توسل و شفاعت در نزد شیعیان مورد تأیید است. خواستن شفاعت از غیرخدا و توسل به بزرگان دین در اندیشه داعش به طور مشخص وجود دارد. در مجله دابق شماره هفتم آمده است: «کافران معنی لااله الا الله را تحریف کردند و به معنی هیچ آفریدگاری جز خدا نیست. آن‌ها به طور اشتباه خود را به اسلام نسبت می‌دهند در حالی که مردگان را پرستش می‌کنند، فراموش کردند که مشرکین عربی که پیامبر با آن‌ها جنگید، نزاع داشتند که خدا تنها خالق مخلوقات است؛ بلکه تصدیق کردند خدا تنها خالق است آن‌ها شفاعت‌کنندگان را پرستش می‌کنند که دنبال شفاعت‌گران مشرکی از میان خود هستند» (دابق، ش ۷: ۲۲).

۴-۷. عقل و نقل

خداوند متعال موهبتی بزرگ به نام عقل و اندیشه به انسان عطا کرده است. در مقایسه با سایر ادیان اسلام بیشترین اهمیت را برای عقل و تعقل قائل شده است. دعوت آیات قرآن به عقل و استدلال منطقی از موضوعاتی است که به صراحت به آن پرداخته شده است. در اندیشه علمای شیعی هم تفکر عقلانی و برهانی جایگاه ویژه‌ای دارد. شیعه به جهت دارا بودن منابع غنی، تمام آنچه را که انسان در جهت استکمال و سعادت حقیقی به آن نیازمند است به طور تام ارائه می‌دهد. امتیاز اساسی شیعه نسبت به سایر مکاتب اعتقادی جهان اسلام استفاده از تمام منابعی است که برای رسیدن به حقایق نیاز است. اندیشمندان علوم خود را نه به دست آمده از عقل و نه استفاده شده از نقل می‌دانند و به کل آن را گرفته شده از جانب خدا می‌دانند. علمای شیعی بر این عقیده‌اند که همه معارف را می‌توان از راه استدلال عقل و برهان نقلی به دست آورد. شیعه با نزدیک کردن کلام نقلی به برهین عقلی، کلام اسلامی را از اینکه فقط در حد نقل محدود باشد، رهایی بخشیده و آن را از کلام نقلی و جدلی صرف به کلام عقلی و استدلالی متحول کرده است (ناصر و ساکلی، ۱۳۸۷: ۲۰۹-۲۳۴).

عقل در نگاه داعش، حائز اهمیت نیست. از این رو به نقل احادیث نامعتبر و ضعیف از تابعان و علمایی می‌پردازند که در سخنان آن‌ها نقد و طرد پیروان مذاهب و فرق اسلامی، به ویژه شیعیان نمود بارزی دارد. نویسندگان داعش برای اشاره دقیق به منابع استفاده شده در متون خودشان در نقل احادیث نیازی نمی‌بینند که به منابع معتبر حدیث رجوع کنند. داعش یک گروه تکفیری است که فقط نقل را قبول دارد؛ از عقل و شهود گریزان هستند و بر این باورند که عقل و شهود جز نشان دادن باطل کاری انجام نمی‌دهد و عقل در باب خداوند و امور اعتقادی، هیچ فهم صحیحی ندارد. در

قاموس تکفیر معرفت دینی به نقل کاسته می‌شود و به این ترتیب، معرفت عقلی از قلمرو دین و رسالت انبیا بیرون می‌آید (مصطفی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

۷-۵. اجتهاد و تقلید

از امتیازات ویژه مکتب تشیع، اعتقاد به اجتهاد است. از مجرای اجتهاد است که اصول و قوانین قرآن و آنچه پیامبر به عنوان سنت بیان کرده است مورد بررسی قرار می‌گیرد و با وضع احکام و قوانین مناسب نیازهای مردم را رفع می‌کند. دین اسلام، گذشته از اصول اعتقادی و معارف اصلی، مانند مبدأ و معاد که از روی یقین باید بدان معتقد بود، شامل یک سلسله قوانین و مقررات انسانی است که به همه جهات زندگی انسانی رسیدگی کند. بنابراین تحصیل علم در حیطة قوانین و احکام فرعی اسلام یکی از وظایف مسلمانان است. برای اثبات ضرورت وجود اجتهاد در منابع، دلایل عقلی و نقلی فراوانی وجود دارد. حتی در زمان صدر اسلام پیامبر مسلمین را به سوی تعمق و اجتهاد و استنباط سوق داده‌اند (آل‌غفور، ۱۳۸۴: ۹۹-۱۲۰). در جریان تکفیری داعش اجتهاد از مفاهیم محوری آن‌ها به شمار می‌رود. شاید بتوان گفت اولین بار ابوالعلی مودودی در عصر جدید بحث اجتهاد را طرح و بحث نمود. با این همه، نگاه گروه نو ظهور داعش به اجتهاد بسیار ساده و سطحی است.

۷-۶. مهدویت و موعودگرایی

رهبران و بزرگان داعش در صحبت‌هایشان به روایت آخرالزمان استناد بسیاری می‌کردند. روایت‌هایی که در آن بخشی از مسلمانان پس از قیام، عدالت را در جهان برقرار خواهند کرد. در نتیجه داعش جنبش خود را با قیام آخرالزمانی مسلمانان مطابقت می‌داد و نبرد خود را با دیگران نبرد نهایی مسلمانان با کافران در آخرالزمان می‌دانستند.

۸. مقایسه اخلاقی و سیاسی داعش و تشیع

۸-۱. استشهاد و انتحار

عملیات استشهادی همانند عملیات انتحاری اهداف استراتژیک دارد. با این تفاوت که عملیات استشهادی، مطلقاً ویژگی دفاعی دارد و تابع دیدگاه عمومی شیعه در باب جهاد دفاعی است. در فقه شیعه خودکشی و قتل دیگری تحریم شده است. نظیر آنچه در عملیات انتحاری رخ می‌دهد. وعده پیروزی یا شهادت از بزرگترین اشتراکات بین گروه‌های تکفیری است. آن‌ها با استناد به برخی آیات و روایات و برداشت‌های منحصر به خودشان، ترور و عملیات انتحاری را جهاد فردی و واجب می‌دانند که در فرصت مناسب، مسلمان باید به آن اقدام کند. «از نظر داعش تو پیروزی! چه بمیری، چه زنده بمانی؛ چنانچه کشته شوی با خدا و رسول ملاقات خواهی کرد و اگر زنده بمانی به سفر خود ادامه خواهی داد» (نورانی، ۱۳۹۴، ۵۹).

۸-۲. ولایت و خلافت

تشکیل حکومت ضرورت پیدایش و بقای هر جهان اجتماعی است. هر حکومتی به یک حاکم نیاز دارد، چه عادل، چه فاسد؛ هرچند که حاکمیت فرد عادل ارجح است. معنای حکومت و حاکمیت اعم از ولایت است. اما مقام ولایت والاتر از حاکمیت است. مقام ولایت به رغم آنکه به ظاهر در مسند حاکمیت سیاسی قرار ندارد، اما حق صدور حکم را دارد. با اندکی تأمل در گرایش‌های داعشی این حقیقت به طور واضح مشخص است که رهبران این گروه تروریستی به صورت جدی در رویای تسلط بر جهان هستند. از این رو ابوبکر بغدادی دو روز پس از اعلام خلافت داعش در عراق و سوریه خود را خلیفه نامید و تیم رسانه‌ای و تبلیغاتی داعش با هدف تحقق این رویا در تبلیغات خود بر احیای مرزهای جغرافیایی پیش از جنگ جهانی اول تأکید داشتند. همزمان با اعلام خلافت در روز اول ماه مبارک رمضان، این گروه نقشه‌ای را منتشر کرد که در آن چشم‌انداز پنج ساله داعش برای احیای خلافت ترسیم

شده بود. در نتیجه، رهبران داعش برای جامعه عمل پوشاندن به رویای خلافت اسلامی، روی منطقه عثمانی، سرمایه گذاری بسیاری کردند. آن‌ها با تشکیل گروه‌های وابسته در افزایش کشورهای شمال آفریقا به حوزه فعالیت‌شان در تلاش هستند.

۳-۸. امامت و رهبری

یکی از اصول شیعه، اعتقاد به وجود امام عادل و معصوم است. امامت در دوران غیبت از طریق فقیه جامع‌الشرایط تداوم می‌یابد. بنابراین عنصر امامت، بالقوه عنصری انقلابی است و می‌تواند حکومت‌های نامشروع را سرنگون و حکومت‌های مطلوب را جایگزین کند. داعش، امامت را در مفهوم رهبری دینی و سیاسی جماعت مسلمانان، از فروع دین و روش ابراهیمی قبول دارد. وقتی توحید ابراهیمی در روح جوان بیدار شد، مسلمان موحد به سادگی از کسی پیروی می‌کند که در ایمان از او پیشتر است؛ علمایی که عمل به دانش و مذهب‌شان منجر به اعتمادسازی در او می‌شود. اما علمای جامعه امام نیستند، بلکه فرد مسلمان را با شریعت آشنا می‌کنند و آنان خود به هدایت دیگران می‌پردازند. هیچ یک از مذاهب اهل سنت مقوله امامت را وارد منظومه اعتقادی خود نکرده است. آن‌ها به خلافت جای امامت معتقدند و بر طبق آن حکومت را پایه‌گذاری می‌کنند. به نظر می‌رسد داعش با نگاهی به کارکرد امامت در میان شیعیان و بعضی فرق اسلامی، اندیشه امامت را متفاوت از کارکرد آن در میان اهل تسنن و جماعت در منظومه فکری خود گنجانده‌اند.

۴-۸. تقریب و تکفیر

تقریب مذاهب به معنای توحید و یکی کردن مذاهب و جایگزین نمودن به جای مذهب دیگر نیست، بلکه در لغت به معنای نزدیک کردن دو چیز دور به یکدیگر است. محمد الدسوقی استاد دانشگاه قطر می‌گوید: «نزدیک کردن

مذاهب اسلامی کوششی است برای شکستن تعصبات و فراخواندن امت اسلامی بر محور ایده مشترک و کلمه واحد براساس اصول عقاید و مؤلفه‌های بنیادین دینی» (رضوان طلب، ۱۳۸۵: ۲۵-۴۴). اما وهابیون تکفیری با دشمن دانستن شیعیان و حتی سنی مذهبانی که عقاید آنان را قبول ندارند، سبب تفرقه و اختلاف بین مسلمانان که دارای قبله و خدای واحدی هستند، شده‌اند. برخلاف دیدگاه قرآن و پیامبر، تفرقه و اختلاف میان شیعه و سنی پیامد عملی اقدامات داعش است. داعش با تقسیم جامعه به دو قسمت خود و شیعیان و با تکفیر همه مسلمانان ایجاد تفرقه و تبعیض می‌کنند. آنان با محدودیت و در تنگنا قرار دادن شیعیان خونشان را مباح می‌دانند و آنان را به قتل می‌رسانند.

۹. مقایسه رفتاری و کنش‌های داعش و تشیع

۱-۹. جنگ و صلح

جهاد در فقه شیعه از فروع دین به حساب می‌آید. در فقه شیعه جهاد به دو قسمت ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود و اولویت با فقه دفاعی است. در تشیع جنگ در عین حال که دفاعی است، باید در راه خدا و با نیت رضای خدا باشد. بنابراین شیعه صلح را مقدم بر جنگ می‌داند.

جهاد یکی از عناصر اصلی گفتمان اسلام‌گرای افراطی است. گروه افراطی داعش جهاد اکبر را که مبارزه با نفس است، نادیده می‌گیرد و به جهاد اصغر که مبارزه با کفار است شاخ و برگ می‌دهد. تا جایی که نام خود را گروه تکفیری جهادی بر می‌گزینند و به نام جهاد انواع رفتار خشونت‌آمیز را انجام می‌دهند. در تفکر داعشی جهاد تنها نماد ایمان واقعی است و هرکس به این مهم نپردازد و به جهاد روی نیاورد، از نظر آنان مطرود است و حد شرعی بر وی واجب است.

۲-۹. مقاومت و مسالمت

گروه داعش عملاً محور مخالف اسرائیل را نشانه گرفته که در صورت موفقیت آن اسرائیل می‌تواند به یکی از اهداف امنیتی و راهبردی خود یعنی تضعیف محور مقاومت دست یابد. این تفاسیر، گویای نوعی هماهنگی نانوخته بین داعش و اسرائیل می‌باشد. تحلیل‌های موجود نیز بر همسویی دو طرف تأکید دارند و حتی برخی از اساس، جریان‌های تکفیری را ساخته و پرداخته اسرائیل می‌دانند.

۹-۳. روش حکومت

پژوهش‌های جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که تشکیل دولت و حکومت، همیشه و در همه شرایط، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر عقلی و فطری بوده است و نمی‌توان از آن بی‌نیاز بود؛ چراکه بشر بالطبع مدنی است و تنها در سایه زندگی اجتماعی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. اسلام به عنوان دینی کامل و جامع، زمینه‌های رسیدن به این مطلوب را فراهم می‌کند. اعتقاد به اینکه هر حکومتی غیر از حکومت امام معصوم یا حکومت غیر مأذون از طرف امام معصوم غصبی است، به طور بالقوه، موجب انقلاب اسلامی است. داعش سعه صدر را در برابر تشکیل حکومت اسلامی بر نمی‌تابید و کوشید با اعمال خشونت آمیز به سرعت جامعه کافر شده را به جامعه مسلمان تبدیل کند. آنان با بهره‌گیری از مدل خلافت اسلامی و وفاداری به آن به عنوان نماد حکومت اسلامی خواهان حرکت‌های خشن و اصلاح امور مسلمین به صورت جهادی بودند. سخنان البغدادی مبنی بر اینکه برای آگاهی مردم آمده است و توده به عنوان رعیت باید از خلیفه مسلمین اطاعت کند تا حکومت اسلامی برقرار شود دلیلی بر همین اعتقادات است که بیان شد.

۱۰. نتیجه‌گیری

براساس آنچه بیان شد، دولت اسلامی عراق و شام شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با سایر جنبش‌های اجتماعی داشته‌است. داعش اساساً انشعابی از القاعده بوده است. این

گروه تروریستی به نوعی در واکنش به رخدادها و تغییر و تحولات معاصر شکل گرفته است. رشد و گسترش غرب‌گرایی و مدرنیته، افزایش فساد در سران حکومت کشورهای عربی، بی‌توجهی به گسترش مؤلفه‌های زندگی مدرن ناسازگار با فرهنگ اسلامی، به نوعی ریشه شکل‌گیری اکثر گروه‌های تکفیری بوده است. داعش به نوعی در واکنش به گسترش نفوذ امریکا و فرهنگ غرب در خاورمیانه و جوامع اسلامی شکل گرفته است.

داعش نخستین گروهی بود که در سرزمینی مشخص، اعلام خلافت اسلامی کرد. وسعت تسلیحات نظامی داعش بیشتر در هیچ کدام از جریان‌های تکفیری مشاهده نشده بود. این گروه روش خاصی برای تأمین منابع مالی خود داشت و از طریق مسیرهایی همچون ترکیه، عربستان و بازار سیاه نفت و مواد مخدر هزینه‌های خود را تأمین می‌کرد. ریشه شکل‌گیری این جریان، تنها به عوامل داخلی مربوط نمی‌شود و عوامل خارجی متعددی همچون حمایت کشورهای غربی و عربی در آن اثرگذار بود.

نظریه فیشر از درون یک مطالعه موردی - انقلاب اسلامی ایران - استخراج شده است. او ادعایی دال بر قابلیت تعمیم این پژوهش در موارد دیگر را ندارد. اما از آنجایی که این پژوهش عوامل متعدد درونی، بیرونی، تاریخی و ساختاری را در انقلاب دخیل می‌داند، پژوهشگر تصمیم گرفت از این تئوری برای تحلیل واقعیت تاریخی داعش بهره بگیرد. می‌توان گفت این نظریه از آنجایی که یک مطالعه موردی بوده، در مؤلفه‌های پژوهش پیش رو از جمله شکل‌گیری داعش کاربرد دارد.

کتابنامه

- آل‌غفور، سیدمحسن، «اجتهاد و تقلید در اندیشه عالمان شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی سال هشتم، شماره سی و یکم، صص ۹۹-۱۲۰، پاییز ۱۳۸۴.

- امینیان، بهادر و سید حسام‌الدین زمانی، «چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره بیست و ششم، صص ۱-۲۴، بهار ۱۳۹۵.
- تاجیک، محمدرضا، «رسانه و بحران در عصر فراواقعیت (با تأکید بر بحران هویت)»، مجله پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۵، شماره پنجاه و شش، صص ۶۹-۹۵، زمستان ۱۳۸۷.
- تخشید، محمدرضا و فاطمه جلائیان مهری، «سیاست خاورمیانه‌ای امریکا و تروریسم در منطقه خاورمیانه پس از یازدهم سپتامبر (مطالعه موردی: عراق)»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره یک، صص ۴۱-۵۶، بهار ۱۳۹۶.
- حاتمی، محمدرضا و مرتضی بحرانی، **دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی**، ج ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲.
- رضوان‌طلب، محمدرضا، «استراتژی تقریب»، مجله اندیشه تقریب، شماره هفتم، صص ۲۵-۴۴، تابستان ۱۳۸۵.
- شریفات، عبدالمحمد، داعش، افکار و تشکیلات، قم: دارالاعلام، ۱۳۹۴.
- صدرالحسینی، سیدرضا، اندیشه و عمل داعش، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۵.
- عباسی، محمود، «سنخ‌شناسی داعش»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره پنجاه و هشت، صص ۹۳-۱۲۰، تابستان ۱۳۹۳.
- غلامی، رضا، **تاریخ خلافت مدرن**، تهران: آوای مکتوب، ۱۳۹۴.
- فرمانیان، مهدی، «جایگاه آموزه‌ی منجی در اندیشه اهل سنت»، مجله مشرق موعود، سال اول، شماره دوم، صص ۱۸۵-۲۰۰، تابستان ۱۳۸۶.
- کسرابی، محمدسالار و علی پوزش شیرازی، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره سوم، صص ۳۶۰-۳۳۹، پاییز ۱۳۸۸.
- مسعودنیا، حسین، «داعش محصول افراطی‌گری»، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۳.
- مصطفی، حسن، **داعش زیرساخت‌های معرفتی و ساختاری**، تهران: آفتاب خرد، ۱۳۹۴.
- مهرآیین، مصطفی و محمد فاضلی، «دیدگاه‌های مایکل فیشر درباره انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی متین، شماره سی و چهار و سی و پنج، صص ۱۵۱-۱۷۴، ۱۳۸۶.
- ماهنامه مهرنامه (ویژه سودای خلافت)، ماهنامه خبری تحلیلی علوم انسانی و علوم اجتماعی، سال پنجم، شماره سی و هفت، صص ۱۲-۳۰۴، تابستان ۱۳۹۳.
- ناصح، علی احمد و نانسو ساکی، «جایگاه عقل و تعقل در مبانی تفکر شیعه»، مجله شیعه‌شناسی، شماره بیست و یک، صص ۲۰۹-۲۳۴، بهار ۱۳۸۷.
- نثاری، احمد، «جریان‌های افراطی در جهان اسلام»، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.
- نجات، سیدعلی، **کالبدشکافی داعش از ظهور تا افول**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۵.
- نورانی، سیدمهدی، **داعش از کاشت تا برداشت**، قم: مجد اسلام، ۱۳۹۴.